

هشدارهای موازی - شماره یک

مکاشفه عیسی مسیح: درک هشدار نهایی برای بشریت

Jeff Pippenger

2023-08-08

«مکاشفه عیسی مسیح» هنگامی برای قوم خدا گشوده می‌شود که «وقت نزدیک است». پیام هشدار نهایی برای بشر درست پیش از پایان دوره مهلت بشر داده می‌شود و آن پیام نهایی در چندین بخش نبوی در کتاب مقدس بازنمایی شده است. در مکاشفه فصل چهارده، آن پیام هشدار نهایی به وسیله سه فرشته نمایانده شده است.

و دیدم فرشته‌ای دیگر که در میانه آسمان پرواز می‌کرد و بشارت جاودانی را داشت تا به ساکنان زمین و به هر امت و قبیله و زبان و قوم بشارت دهد. او با صدای بلند می‌گفت: از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است؛ و او را بپرستید که آسمان و زمین و دریا و چشمه‌های آب را آفرید.

و فرشته‌ای دیگر در پی او آمد و گفت: بابل، آن شهر بزرگ، سقوط کرد، سقوط کرد، زیرا همه ملت‌ها را از شراب خشم زناکاری خود نوشاند.

و فرشته سوم از پی ایشان آمد و با صدای بلند گفت: اگر کسی وحش و صورت او را بپرستد و نشان او را بر پیشانی خود یا بر دست خود بپذیرد، او از شراب خشم خدا خواهد نوشید که پی‌آنکه رقیق شود در جام غضب او ریخته شده است؛ و در حضور فرشتگان مقدس و در حضور بره، با آتش و گوگرد عذاب خواهد شد. و دود عذابشان تا ابدالآباد بالا می‌رود؛ و آنان که وحش و صورت او را می‌پرستند و هر که نشان نام او را می‌پذیرد، روز و شب آرامی ندارند. در اینجاست شکیبایی قدیسان: آنان که فرمان‌های خدا و ایمان عیسی را نگاه می‌دارند. مکاشفه یوحنا 6: 14-12

در باب هجدهم کتاب مکاشفه، عیناً همان پیام سقوط بابل را اعلام می‌کند.

و پس از این امور، فرشته‌ای دیگر را دیدم که از آسمان فرود می‌آمد، با قدرتی عظیم؛ و زمین از جلال او روشن شد. و با صدایی بلند و نیرومند فریاد زد و گفت: «بابل عظیم سقوط کرد، سقوط کرد، و مسکن شیاطین شده است و قرارگاه هر روح پلید و قفس هر پرنده ناپاک و نفرت‌انگیز.» زیرا همه ملت‌ها از شراب خشم زناکاری او نوشیده‌اند، و پادشاهان زمین با او زنا کرده‌اند، و بازرگانان زمین از فراوانی تجملات او توانگر شده‌اند. و آوازی دیگر از آسمان شنیدم که می‌گفت: «ای قوم من، از او بیرون آید تا در گناهانش شریک نشوید و از بلاهایش نصیبی نبرید؛ زیرا گناهانش تا به آسمان رسیده است و خدا شرارت‌های او را به یاد آورده است.» مکاشفه ۱۸: ۱-۵.

خط سیر نبوت در تاریخ، یا به عبارتی، رشته رویدادهایی که در فصل هجدهم با فرشته‌ای که زمین را از جلال خود روشن می‌سازد به تصویر کشیده شده، بیانگر رویدادهایی است که به پایان داوری، پایان مهلت و هفت بلای آخر منتهی می‌شود. تاریخ نبوتی به تصویر کشیده شده در فصل هجدهم به صورت «موازی» با خط تاریخ نبوتی‌ای پیش می‌رود که سه فرشته فصل چهاردهم نمایان می‌کنند.

خدا برای پیام‌های مکاشفه ۱۴ جایگاه‌شان را در سلسله نبوت مقرر کرده است، و کار آنها تا پایان تاریخ این زمین متوقف نخواهد شد. پیام‌های فرشتگان نخست و دوم همچنان حقیقتی برای این زمان‌اند و باید همگام با آنچه در پی می‌آید پیش بروند. فرشته سوم هشدار خود را با صدایی بلند اعلام می‌کند. «پس از این امور»، یوحنا گفت: «دیدم فرشته دیگری که قدرتی عظیم داشت، از آسمان فرود آمد، و زمین از جلال او روشن شد.» در این روشنایی، نور هر سه پیام با هم ترکیب

شده است. مواد ۱۸۸۸، ۸۰۳، ۸۰۴.

سه فرشته فصل چهارده که در میانه آسمان پرواز می‌کنند، نماد پیامی جهانی‌اند که با نشان وحش و پایان مهلت به پایان می‌رسد. در فصل هجده، تمام زمین با جلال آن فرشته روشن می‌شود؛ فرشته‌ای که پیامش نیز با پایان مهلت به پایان می‌رسد.

پیامی که در باب چهاردهم به صورت نمادین توسط سه فرشته به تصویر کشیده شده و نیز پیامی که در باب هجدهم به وسیله فرشته‌ای که فرود می‌آید به تصویر کشیده می‌شود، دو تصویر از همان پیام هشداردهنده هستند. در کتاب مقدس هیچ چیز زائد یا بیهوده‌ای نیست. این واقعیت که یوحنا همان پیام را بیش از یک بار ذکر می‌کند، تأکیدی بر اهمیت پیام است و روش الهی تعلیم را نشان می‌دهد؛ قاعده‌ای کتاب مقدسی که «تکرار و گسترش» نام دارد. در کنار هم قرار دادن دو خط از تاریخ نبوی، حقایقی را آشکار می‌کند که اگر هر یک را جدا از دیگری در نظر بگیریم، شناخته نخواهند شد. امروز اگر دو شاهد یک رویداد را برای ادای شهادت به دادگاه بیاورید، ممکن است بر پایه ایدئولوژی سیاسی یا اجتماعی‌شان گزارش‌هایی کاملاً متضاد ارائه دهند. اما در مورد شاهدان کتاب مقدس چنین نیست؛ آنها همیشه هم‌نظرند، و اگر به نظر شما می‌آید که هم‌نظر نیستند، پس دارید موضوع را نادرست می‌بینید.

دو تصویری که در نظر داریم همان پیام هشدارند که کتاب ملاکی آن را به صورت بازگشت ایلای نبی بازنمایی می‌کند. هر سه پیام پیش از پایان مهلت فیض فرا می‌رسند—زیرا پیام هشدار موجود در هر سه خط نبوت صرفاً پیش از پایان مهلت فیض داده نمی‌شود، بلکه پایان مهلت فیض خود همان نقطه مرجع، یا اگر بخواهید، موضوع هر یک از آن پیام‌های هشدار است. در واقع، اگر هر پیام هشدار از سوی هر نبی اعلام یا به تصویر کشیده شود، همان هشدار است که در مکاشفه باب چهارده و هجده و در پیشگویی ایلای در کتاب ملاکی آمده است.

می‌توان به راحتی نشان داد که این سه خط پیشگویی به صورت موازی با یکدیگر پیش می‌روند. با این حال، در پیشگویی‌های کتاب مقدس دو منبع اصلی اطلاعات وجود دارد. یکی شناسایی توالی رویدادهایی است که در پایان جهان رخ می‌دهند. منبع دیگر اطلاعات، توصیف فعالیت‌های پیامبران است در ارتباط با پیامی که خطوط کلی رویدادهای آینده را ترسیم می‌کند.

در ارتباط با این ایده‌ها، دو قاعده شایان توجه‌اند. نخست این است که همه پیامبران درباره پایان جهان سخن می‌گویند؛ جایی که دوره آزمایش به پایان می‌رسد.

«هر یک از انبیای باستان، کمتر برای زمان خود سخن گفتند تا برای زمان ما؛ از این رو، نبوت ایشان برای ما معتبر و نافذ است.» و این همه بر ایشان واقع شد تا عبرتی باشد، و برای تنبیه ما مکتوب گردید، که ما هستیم که اواخر عالم بر ما رسیده است.» 1 Corinthians 10:11. «و بر ایشان مکشوف شد که نه برای خود، بلکه برای ما خدمت می‌کردند در اموری که اکنون به شما خبر داده شده است، به وسیله آنان که انجیل را برای شما موعظه کردند به روح القدس که از آسمان فرستاده شد؛ اموری که فرشتگان آرزومندند در آنها بنگرند.» 1 Peter 1:12....»

کتاب مقدس گنجینه‌های خود را برای این نسل آخر انباشته و یکجا گرد آورده است. همه رویدادهای بزرگ و وقایع خطیر تاریخ عهد عتیق در این روزهای واپسین در کلیسا خود را تکرار کرده‌اند و می‌کنند. پیام‌های برگزیده، جلد ۳، ۳۳۸، ۳۳۹.

همه پیام‌های نبوی کتاب مقدس برای ما، «که پایان‌های جهان بر ما فرارسیده است»، «جاری و ساری» هستند. این قاعده، همراه با قاعده‌ی دیگری که «امور»ی را که روح القدس آن‌ها را هم «در هنگام اعطای نبوت» و هم «در رویدادهای به تصویر کشیده‌شده» «شکل داده است» مشخص می‌کند، این

ادعا را تقویت می‌کند که رخدادهای نبوی آغاز هر نبوت، هم نمونه‌وار رخدادهای نبوی پایان همان نبوت‌اند و هم به موازات آن‌ها پیش می‌روند.

نیاز به مطالعه‌ای بسیار دقیق‌تر از کلام خدا هست؛ به‌ویژه کتاب‌های دانیال و مکاشفه باید چنان مورد توجه قرار گیرند که هرگز پیش از این در تاریخ کار ما نبوده است. شاید در برخی جهات درباره قدرت روم و پاپیت کمتر سخنی برای گفتن داشته باشیم؛ اما باید توجه را به آنچه پیامبران و رسولان تحت الهام روح‌القدس خدا نوشته‌اند، جلب کنیم. روح‌القدس امور را، چه در اعطای نبوت و چه در رویدادهای به تصویر کشیده، چنان سامان داده است که تعلیم دهد عامل انسانی باید از نظرها پنهان نگاه داشته شود، در مسیح مستور گردد، و اینکه خدای آسمان و شریعت او باید بزرگ داشته شوند. کتاب دانیال را بخوانید. نکته‌به‌نکته، تاریخ پادشاهی‌هایی را که در آن به تصویر کشیده شده‌اند، مرور کنید. شهادت‌ها برای خادمان، ۱۱۲.

"روح‌القدس امور را چنان سامان داده است، هم در اعطای نبوت و هم در وقایع به تصویر کشیده شده." در "اعطای نبوت و در وقایع به تصویر کشیده شده" "امور" به دست "روح‌القدس" چنان سامان یافته‌اند که هم "اعطای نبوت" و هم "وقایع به تصویر کشیده شده" باید الهامی دانسته شوند و بر تصویر نبوی پایان جهان تطبیق داده شوند.

یوحنا پیشگویی‌ای از جبرئیل دریافت کرد و به او گفته شد آن را در کتابی بنویسد و برای کلیساها بفرستد. سپس از سوی روم تحت آزار و تعقیب قرار گرفت؛ به گونه‌ای تبعید شد که با آنچه امروز در جهان «بازداشتگاه مخفی» می‌نامند قابل قیاس بود. در آن تاریخ، یوحنا به اندازه هر زندانی در خلیج گوانتانامو از دیگر انسان‌ها منزوی بود.

یوحنا بیان می‌کند که رؤیا زمانی رخ داد که او هنگام عبادت در سبت روز هفتم بود، که همان روز خداوند است.

زیرا پسر انسان صاحب روز سبت نیز هست. متی ۸:۱۲

هنگام پرستش در روح، صدایی عظیم از پشت سرش شنید.

من، یوحنا، که نیز برادر و شریک شما در مصیبت و در ملکوت و شکیبایی عیسی مسیح هستم، به خاطر کلام خدا و به خاطر شهادت عیسی مسیح، در جزیره‌ای که پاتموس نام دارد بودم. در روز خداوند در روح بودم و از پشت سرم صدایی عظیم، همچون صدای شیپور، شنیدم که می‌گفت: من الفا و امگا، اول و آخر هستم؛ و آنچه می‌بینی، در کتابی بنویس و آن را به هفت کلیسای که در آسیا هستند بفرست: به افسس، و به سمیرنا، و به پرغامس، و به تیاتیرا، و به ساردس، و به فیلادلفیا، و به لاودکیه. مکاشفه ۹:۱-۱۱.

از یوحنا، محیط پیرامونش و شرایط ذکرشده چنین برمی‌آید که او به سبب رعایت سبت روز هفتم تحت آزار است، و همچنین به این سبب که هم به کتاب مقدس و هم به نوشته‌های الن وایت — که همان «شهادت عیسی» است — ایمان دارد، مورد آزار قرار می‌گیرد. او صدای عظیمی را از پشت سر خود می‌شنود و برمی‌گردد تا ببیند، و بدین‌سان نمایانگر ادونتیست‌های روز هفتم در پایان جهان است که صدایی از پشت سرشان می‌شنوند که می‌گوید: «این راه است، در آن راه بروید.»

همه خطوط نبوت در پایان جهان با یکدیگر موازی‌اند.

«در مکاشفه، همه کتاب‌های کتاب مقدس به هم می‌رسند و پایان می‌یابند.» اعمال رسولان،

هر پیامبری که صدایی از پشت سرش می‌شنود، در تصویر قوم خدا در پایان جهان با یوحنا هم‌سو است. یوحنا صدایی از پشت سرش شنید که به او دستورهایی داد. اشعیا نیز صدایی شنید که به او دستور می‌داد.

از این رو خداوند منتظر می‌ماند تا بر شما لطف کند، و از همین رو سرفراز خواهد شد تا بر شما رحمت آورد؛ زیرا خداوند خدای انصاف است؛ خوشا به حال همه آنان که برای او انتظار می‌کشند.

زیرا قوم در صهیون، در اورشلیم ساکن خواهند شد؛ دیگر گریه نخواهی کرد؛ او با شنیدن صدای فریادت بر تو بسیار ترحم خواهد کرد؛ چون آن را بشنود، تو را پاسخ خواهد داد. و اگرچه خداوند نان تنگی و آب مصیبت به شما بدهد، اما آموزگاران تو دیگر به کناری رانده نخواهند شد، بلکه چشمانت آموزگاران خود را خواهند دید. و گوش‌هایت پشت سرت سخنی خواهد شنید که می‌گوید: این است راه؛ در آن راه بروید، هرگاه به راست بیچید و هرگاه به چپ. اشعیا 30:18-21

قوم باقیمانده خدا صدایی از پشت سر خود می‌شنوند که راهی را که باید در آن گام بردارند نشان می‌دهد. سپس باید تصمیم بگیرند که گوش فرا دهند یا ندهند. مردمی که با یوحنا و اشعیا نمایانده شده‌اند، مردمانی در پایان جهان‌اند که در حالی که او درنگ می‌کند در انتظار خداوند می‌مانند؛ و اشعیا به ما خبر می‌دهد که او درنگ می‌کند زیرا خدای داوری است. از آغاز تاریخ جنبش میلریتی در سال ۱۷۹۸ تا پایان مهلت برای ادونتیست‌ها در زمان قانون یکشنبه، خدا داوری را در قدس آسمانی به انجام می‌رساند. وعده این است که آنان که در دوره داوری در انتظار خداوند می‌مانند، برکت خواهند یافت.

قوم خدا که به سبب انتظارشان مبارک‌اند، در مثل ده باکره، به وسیله باکره‌هایی که در انتظار دامادند، به تصویر کشیده شده‌اند. هر ده تن به خواب رفتند و سپس در نیمه‌شب بحرانی فرا می‌رسد که باکره‌های خفته را به دو دسته جدا می‌کند. یک دسته صدایی را که از پشت سرشان می‌آمد شنیدند و برگشتند تا آن صدا را ببینند، و آن صدا به آنان می‌آموخت که از کدام راه پیش بروند؛ و دسته دیگر از برگشتن و شنیدن آن صدا سر باز زدند—با اینکه پیامی که در سراسر کتاب مکاشفه جاری است این است: «هر که گوش دارد، بشنود آنچه روح به کلیساها می‌گوید.»

"مثل ده دوشیزه در متی ۲۵، تجربه قوم ادونتیست را نیز نشان می‌دهد." مناقشه بزرگ، ۳۹۳.

یوحنا نماینده ادونتیست‌هایی است که برای فهم آینده به گذشته رو می‌کنند. وقتی مانند یوحنا "کلامی از پشت سر" خود می‌شنوند، آن کلام همچنین شامل تعلیمی است که در شهادت اشعیا درباره همین رویداد داده شده بود. تعلیم اشعیا این بود: "این راه است؛ در آن راه بروید، هرگاه به راست بیچید و هرگاه به چپ." دختران باکره دانا در دانیال دوازده افزایش معرفت را در پایان جهان درمی‌یابند، زیرا برای فهمیدن معرفت حیات‌بخشی که مهرش گشوده شده بود، در کلام "این سو و آن سو دویده بودند."

اما تو، ای دانیال، این سخنان را مخفی بدار و کتاب را تا زمان آخر مهر و موم کن؛ بسیاری به این سو و آن سو خواهند دوید و معرفت افزون خواهد شد. دانیال ۴:۱۲.

پیامبرانی که بررسی می‌کنیم نماینده ادونتیست‌های روز هفتم در تاریخی هستند که داوری به نتیجه می‌رسد و مهلت فیض بسته می‌شود. آنان که به عنوان «دوشیزگان خردمند» معرفی شده‌اند، صدایی را از پشت سر خود می‌شنوند که می‌گوید: این است راه، در آن گام بردارید؛ و او وعده می‌دهد که هرگاه به چپ یا راست بیچند، ایشان را در مسیر هدایت کند. «دویدن به این سو و آن سو» که دوشیزگان خردمند هنگام گشوده شدن مهر کتاب انجام می‌دهند، نمادی از مطالعه کتاب مقدس است. طبیعت به ما می‌آموزد که برای دویدن، نخست باید راه رفتن را آموخت، و شهادت

اشعیا می‌گوید که اگر به صدای پشت سر گوش دهید، او شما را در مطالعه کلامش هدایت خواهد کرد، چه به سوی عهد عتیق (چپ) بپیچید و چه به سوی عهد جدید (راست). کتاب مقدس را بگشایید و او با صدای خود شما را هدایت خواهد کرد. اما برای ادونتیسست‌های روز هفتم در پایان جهان، این همچنین به این معناست که او شما را زمانی که کتاب مقدس را می‌گشایید (چپ) و زمانی که روح نبوت را می‌گشایید (راست) هدایت خواهد کرد.

با افزودن شهادت ارمیا، شیوه راه رفتن حتی مشخص‌تر می‌شود.

خداوند چنین می‌گوید: در راه‌ها بایستید و بنگرید، و از راه‌های دیرین بپرسید که راه نیکو کدام است، و در آن بروید، و برای جان‌های خویش آرامی خواهید یافت. اما آنان گفتند: در آن راه نخواهیم رفت. و نیز بر شما دیده‌بانانی گماشتم و گفتم: به صدای شیپور گوش فرا دهید. اما آنان گفتند: گوش نخواهیم سپرد.

پس بشنوید، ای امت‌ها، و ای جماعت، بدانید آنچه در میان ایشان است. ای زمین، بشنو: اینک من شر بر این قوم خواهم آورد، یعنی ثمره اندیشه‌هایشان را، زیرا نه به سخنان من گوش سپردند و نه به شریعت من، بلکه آن را رد کردند. ارمیا ۱۶:۱۶-۱۹

در این بخش دو دسته پرستنده وجود دارند. گروهی همه «راه‌ها» را در نظر می‌گیرند و «راه‌های کهن» را برای پیمودن برمی‌گزینند. آنان توانستند از میان همه «راه‌های» ممکن دیگر، «راه نیکو» را برگزینند، زیرا آنان همان کسانی‌اند که به صدای پشت سرشان گوش دادند و آن صدا به آنان گفت: «این است راه؛ در آن راه بروید.» جان نماینده کسانی است که صدایی از پشت سر را می‌شنوند؛ صدایی از «راه‌های کهن».

خداوند چنین می‌گوید: در راه‌ها بایستید و بنگرید و از راه‌های کهن بپرسید که راه نیکو کدام است، و در آن راه بروید. ارمیا ۱۶:۶.

بگذار هیچ‌کس در پی برکندن بنیان‌های ایمان ما نباشد؛ بنیان‌هایی که در آغاز کارمان با مطالعه دعاگونه کلام و به واسطه وحی نهاده شد. بر همین بنیان‌ها در پنجاه سال گذشته بنا کرده‌ایم. ممکن است مردم گمان کنند که راهی نو یافته‌اند و می‌توانند بنیانی استوارتر از آنچه نهاده شده است پی‌ریزی کنند، اما این فریبی بزرگ است. هیچ‌کس نمی‌تواند بنیانی جز آن که نهاده شده است، بگذارد.

در گذشته، بسیاری به ساختن ایمانی نو و برپایی اصولی تازه همت گماشته‌اند. اما بنای آنان چه مدت برجا ماند؟ به‌زودی فرو ریخت، زیرا بر صخره بنا نشده بود.

آیا شاگردان نخستین ناچار نبودند با سخنان مردم روبه‌رو شوند؟ آیا مجبور نبودند به نظریه‌های باطل گوش دهند و سپس، پس از انجام همه‌چیز، استوار بایستند و بگویند: «هیچ‌کس نمی‌تواند بنیانی جز آنچه نهاده شده بگذارد»؟ اول قرن‌تین ۱۱:۳.

پس باید آغاز اطمینان خود را تا به پایان، استوار نگه داریم. سخنان پرقدرتی از سوی خدا و مسیح برای این قوم فرستاده شده است تا ایشان را نکته‌به‌نکته از جهان بیرون آورد و در پرتو روشن حقیقت حاضر قرار دهد. با لب‌هایی که آتش مقدس آن‌ها را لمس کرده است، خادمان خدا پیام را اعلام کرده‌اند. بیان الهی مهر خود را بر اصالت حقیقت اعلام‌شده نهاده است. شهادت‌ها، جلد ۸، ۲۹۶، ۲۹۷.

اما در خط ارمیا گروه دیگری نیز هست و آن «جماعت»، به تعبیر او، خانه‌ای بنا کرده‌اند که نمایانگر ایمانی نو است، و آن خانه فرو می‌ریزد زیرا بر صخره بنا نشده است. آن خانه همان کلیسای ادونتیسست روز هفتم است، یا آن‌گونه که یوحنا همان کلیسا را معرفی می‌کند - کنیسه شیطان.

امتناع از شنیدن، همان رد کردن «کلام» او و «شریعت» اوست. به سبب سرکشی‌شان در برابر بازگشت و راه رفتن در راه‌های کهن، و نیز امتناع‌شان از شنیدن صدای شیپور نگهبان، خدا شری بر آن مردمی که ارمیا آنان را «جماعتی شرور» می‌نامد، خواهد آورد. اینکه خدا با کلیسای ادونتییست روز هفتم لائودیکه چگونه برخورد می‌کند، موضوع نبوت کتاب مقدس است. نبی هوشع وقتی درباره اینکه چرا رد شده‌اند سخن می‌گوید، به تبیین ویژگی‌های «جماعت شرور» کمک می‌کند.

قوم من از کمبود معرفت هلاک می‌شود؛ چون تو معرفت را رد کرده‌ای، من نیز تو را رد خواهم کرد تا برای من کاهن نباشی؛ چون شریعت خدای خود را فراموش کرده‌ای، من نیز فرزندان تو را فراموش خواهم کرد. هوشع ۴:۶.

آنان به سبب فقدان شناخت طرد می‌شوند؛ شناختی که نمایانگر پیامی است که در آخرالزمان مهرش گشوده می‌شود. خدا در این بخش، رابطه عهدی خود را با قومش پایان می‌دهد، زیرا آنان را مستقیماً «قوم من» می‌خواند. چون مسیح را رد کرده‌اند و شریعت او را فراموش کرده‌اند، برای خدا کاهن نخواهند بود. وقتی قوم خدا با خدا وارد عهد می‌شوند، او آنان را کاهنان و پادشاهان می‌سازد. وقتی خدا با اسرائیل باستان عهد بست، به وسیله موسی چنین فرمود:

پس اکنون، اگر به راستی به آواز من گوش فرا دهید و عهد مرا نگاه دارید، آن‌گاه برای من از میان همه قوم‌ها گنجی خاص خواهید بود، زیرا تمامی زمین از آن من است؛ و شما برای من پادشاهی‌ای از کاهنان و امتی مقدس خواهید بود. اینها سخنانی است که باید به بنی‌اسرائیل بگویید. خروج ۱۹:۵، ۶.

هنگامی که خدا با کلیسای مسیحی عهد بست، از طریق پطرس فرمود:

اما شما نسل برگزیده، کهنات پادشاهی، امتی مقدس و قومی مخصوص هستید، تا فضایل او را که شما را از تاریکی به نور عجیب خود دعوت کرده است، اعلام کنید؛ شما که در گذشته قومی نبودید، اما اکنون قوم خدا هستید؛ شما که رحمت نیافته بودید، اما اکنون رحمت یافته‌اید. اول پطرس ۲:۹، ۱۰.

پطرس در این آیات به گذار از اسرائیل باستان، به عنوان قوم عهدی برگزیده خدا، به سوی کلیسای مسیحی می‌پردازد، آنگاه که می‌گوید: «در گذشته قومی نبودید، اما اکنون قوم خدایید.» هنگامی که یهودیان عهد خود را با خدا گسستند، خداوند با کلیسای مسیحی عهد بست. هر دو، تا زمانی که با خداوند در پیوند زناشویی بودند، امتی از کاهنان شمرده می‌شدند.

رد شدن به عنوان کاهن نشان می‌دهد که شما زمانی قوم عهد بودید. ادونتییست‌های روز هفتم در آغاز تاریخ جنبش ادونتییست‌ها با خداوند عهد بستند. کلیسای در بیابان از دل رفورماسیون بیرون آمد، اما پیام میلی‌ها را رد کرد و از این رو در طول تاریخ پیام‌های فرشته اول و دوم از خدا جدا شد. جدایی نهایی با فرارسیدن فرشته دوم رخ داد و اعلام شد که آنان دیگر دختر مسیح نیستند، بلکه دختر بابل شده‌اند. بلافاصله پس از آن، در خلال فریاد نیمه‌شب، خدا عروس تازه خود را به ازدواج عهدی فراخواند.

دو لوحی که نماد عهد برای اسرائیل باستان بودند، همان دو لوح ده فرمان بودند، و دو لوح اسرائیل روحانی معاصر، دو لوح حقوق است که در نمودارهای ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ نمایانده شده‌اند. قوم عهد که الهام بارها آنان را «لائودیکه» معرفی کرده است، راه‌های کهن را رد کردند، از شنیدن آن صدایی که از پشت سرشان بود سر باز زدند، و از این رو تاریخ پایانی اسرائیل باستان را تکرار می‌کنند، چنان‌که از دهان خداوند بیرون افکنده می‌شوند. چرا چنین اتفاقی برای کسانی می‌افتد که او آنان را «قوم من» می‌خواند؟

تمثیل ده باکره که تجربه ادونتیسیم را به تصویر می‌کشد، دو بار تحقق می‌یابد: یک بار در آغاز و سپس در پایان ادونتیسیم. خواهر وایت تعلیم می‌دهد که این تمثیل مو به مو تحقق یافته و نیز خواهد یافت، و همچنین اینکه این تمثیل همواره باید به‌عنوان «حقیقت زمان حاضر» فهمیده شود، همان‌گونه که فرشته سوم چنین است.

"اغلب توجه من به مَثَل ده باکره جلب می‌شود؛ پنج تن از آنان خردمند بودند و پنج تن نادان. این مَثَل مو به مو تحقق یافته و خواهد یافت، زیرا برای این زمان کاربردی ویژه دارد و، همچون پیام فرشته سوم، تحقق یافته و تا پایان زمان همچنان حقیقت حاضر خواهد بود." Review and Herald، ۱۹ اوت ۱۸۹۰.

جنبش ادونتیستی میلریتی، دوره انتظار آن مثل را در فاصله میان پیشگویی نافرجام ۱۸۴۳ و پیشگویی درست ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تحقق بخشید. جزئیات نبوی این تاریخ فراوان و مهم‌اند، اما من فقط می‌خواهم یادآور شوم که مثل ده باکره، همان‌طور که خواهر وایت همین‌الآن گفت، به‌طور مستقیم با فرشته سوم مرتبط است.

از سال ۱۷۹۸ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، پیام فرشته اول آغاز داوری را اعلام می‌کرد. اندکی پیش از آغاز داوری، ندای نیمه‌شب مثل ده باکره تحقق یافت. بنابراین، هنگامی که فرشته سوم پایان داوری را اعلام کند، اعلام ندای نیمه‌شب بار دیگر تکرار خواهد شد.

دریافت اینکه کلیساهای پروتستان پیام خدا را رد کرده‌اند و بدین‌سان به دختران بابل تبدیل شده‌اند، همان فرا رسیدن پیام فرشته دوم و آغاز زمان تأخیر در مثلی بود که «کلمه به کلمه» در حال تحقق بود. خداوند در سال ۱۸۴۳ بازنگشت؛ او درنگ کرد تا دوشیزگان را بیازماید و برکت دهد. اعلام فرشته دوم که کلیساهای پروتستان را دختران بابل معرفی می‌کرد، فراخوانی بود برای آنان که هنوز در آن کلیساهای ساقط‌شده بودند تا بیرون آیند و در کنار پیروان میلر و برداشت آنان از نبوت‌ها بایستند. در گردهمایی اردوگاهی اکستر، ساموئل اسنو شواهد لازم برای تأیید آمدن خداوند در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را ارائه کرد و پیام ندای نیمه‌شب همچون موجی سهمگین سراسر سرزمین را درنوردید. سپس فرشته سوم در ناکامی بزرگ ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ فرا رسید.

این جمع‌بندی کوتاهی از تاریخچه‌ای آغازین بود که در آن بسیاری از نکات را کنار گذاشتم تا چند نکته را که به نظر می‌رسند با آنچه به آن می‌پردازیم مرتبط‌ترند، برجسته کنم.

ما این اندیشه‌ها را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.